

ضرورت تدوین نقشه راه توسعه صنعتی در کشور

پانا، ایرنا، تعادل، گسترش صمت، دنیای اقتصاد، شهروند، تسنیم، شانا، شانا،

خبرآنلاین

سیاست ارزی مناسب و تناسب آن با سیاستهای صنعتی همواره یکی از سوالات اساسی در ادبیات سیاست‌گذاری صنعتی در کشورهای در حال توسعه است. در این زمینه همواره بین کارشناسان اقتصادی اختلاف نظر وجود داشته است. از این رو به منظور روشن شدن ابعاد این موضوع نشست با عنوان نظام و سیاست ارزی مناسب توسعه صنعتی ایران در موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی با حضور دکتر محمدرضا رضوی رییس موسسه، دکتر عباس شاکری عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر تیمور رحمانی عضو هیات علمی دانشگاه تهران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، دکتر عباس شاکری عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی در این نشست علمی در پاسخ به این سوال که آیا ایران تاکنون سیاست صنعتی داشته است یا خیر؟ گفت: خیلی‌ها اعتقاد دارند که ایران صنعت دارد ولی هنوز در مسیر توسعه صنعتی قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، صنعت داریم ولی صنعتی نیستیم.

وی با بیان اینکه راهبردهای توسعه صنعتی کشور نیازمند آمایش، پیمایش و داشتن برنامه توسعه ای است افزود: به نظر می‌رسد برنامه‌های توسعه ای در کشور به درستی اجرایی و عملی نشده است. چراکه توسعه نیازمند برنامه‌مبنایی‌تری است که از تحول ذهنی تا اقدامات و اقتضائات را در بر می‌گیرد.

شاگری با اشاره به اینکه در زمینه توسعه صنعتی هنوز نقشه راه مشخصی در کشور تدوین نشده است، اظهار کرد: در یک اقتصاد صنعتی، صادرات، صرفه‌های مقیاس و مزیت‌های نسبی جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کنند و در فرآیند توسعه صنعتی است که سیاست ارزی معنا پیدا می‌کند.

وی تصریح کرد: در ایران همیشه تورم‌های قابل ملاحظه وجود داشته که در چارچوب نظریات متداول اثر خود را در تراز تجاری نشان می‌دهد و موجب افزایش نرخ ارز می‌شود. در اینجا گفته می‌شود که اگر شرط مارشال-لرنر برقرار باشد، می‌توان با سیاست صنعتی صادرات را هم تشویق کرد، اما در اقتصاد ایران وضعیت متفاوت است. در اقتصاد ایران به معنای واقعی "بازار ارز" نداریم، بلکه بین ۷۰ تا ۸۰ درصد از عرضه ارز از سوی دولت و از مسیر درآمدهای نفتی تامین می‌شود که منبعی برون‌زا است.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی افزود: حتی در مواقعی که تورم دورقمی در کشور وجود داشت، به دلیل وفور درآمدهای نفتی نرخ ارز به جای اینکه افزایش یابد، کاهش می‌یافت. در این راستا زمانی می‌توان گفت که بازار ارز در اقتصاد ایران وجود دارد که عرضه و تقاضای ارز از مجاری متعددی تامین شوند. این درحالیست که عمده ارز تامین شده در اقتصاد ایران از مسیر درآمدهای حاصل از صادرات نفت، گاز و پتروشیمی عمدتاً از سوی دولت تامین می‌شود.

وی با بیان اینکه در سالهای گذشته صادرکنندگان به دلیل تورم دچار مشکل شدند گفت: افزایش نرخ ارز در کوتاه‌مدت می‌تواند صادرات را بیشتر کند ولی در بلندمدت به دلیل نبود توسعه صنعتی این مهم رخ نمی‌دهد. از سوی دیگر، وجود کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای سبب بروز مشکل و پارادوکس در این زمینه می‌شود.

وی، انتظارات تورمی را موجب تشدید سفته‌بازی در بازار ارز دانست و اظهار کرد: در شرایط حاضر نیز که اقتصاد در وضعیت رکود به سر می‌برد، افزایش نرخ ارز موجب افزایش قیمت تولیدکننده شده و این امر سبب تشدید رکود می‌شود.

در ادامه این نشست دکتر تیمور رحمانی عضو هیات علمی دانشگاه تهران بیان کرد: در دهه ۴۰ شمسی توسعه صنعتی به طور نسبی موفق بوده است، اما در دهه ۱۳۵۰ درآمدهای نفتی همه چیز را به هم می‌ریزد و درواقع سیاست صنعتی فراموش می‌شود.

وی ادامه داد: پس از دوران بحرانی انقلاب و جنگ، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی و تقویت زیربناها در دستور کار بوده اما به دلیل عدم هماهنگی سیاستهای اقتصاد کلان آشفته‌گی در توسعه صنعتی رخ می‌دهد. از سال ۱۳۷۹ و در پی افزایش تدریجی درآمدهای نفتی نیز توسعه صنعتی به طور عملی فراموش می‌شود و صنایع کشور به صنایع مونتاژ تبدیل می‌شوند.

به عقیده وی، آنچه که در خصوص سیاست ارزی می‌توان گفت این است که بر اساس بررسی‌های آماری در بلندمدت فرضیه برابری قدرت خرید در ایران مصداق دارد. گرچه بیان نظریه مذکور در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما تحلیل فرآیند آن از عمق و پیچیدگی خاصی برخوردار است.

رحمانی با بیان اینکه تا زمانیکه تورم در کشور وجود داشته باشد نمی‌توان یک سیاست ارزی صحیح و اصولی داشت گفت: ثبات ارزی و کنترل همزمان تورم، تامین کننده شرایط لازم برای اعمال سیاست ارزی مناسب در جهت پشتیبانی از سیاست صنعتی است.

وی تک‌رقمی شدن تورم توسط دولت در شرایط کنونی را فرصت مناسبی برای تحقق سیاست ارزی مورد نظر دانست و افزود: رشد ضعیف بهره‌وری در ایران سبب تضعیف توان رقابتی کشور در بازارهای بین‌المللی می‌شود. دستمزدها در کشور بر اساس قدرت خرید بالا نیستند اما همین دستمزدهای پایین با بهره‌وری پایین همراه است که مجموع این شرایط کاهش توان رقابتی و صادراتی را همراه دارد.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران ادامه داد: اگر بپذیریم که در شرایط فعلی کاهش دستمزد مقدور نیست، افزایش بهره‌وری هم نیازمند دوره زمانی بلندمدت است. در چنین شرایطی مجبور خواهیم

بود که به افزایش نرخ ارز تن بدهیم. افزایش نرخ ارز در ایران از روی انتخاب نیست، بلکه از روی اجبار است. تثبیت نرخ ارز و تداوم تثبیت آن نیز به نفع اقتصاد ایران نیست.

وی با اشاره به اینکه افزایش نرخ ارز در سال های ۹۲-۱۳۹۰ سبب افزایش صادرات برخی از فعالیتهای مانند خدمات پزشکی شده است گفت: اما متأسفانه چون در بسیاری از صنایع مزیت نسبی چندانی نداریم، لذا نمی توان از افزایش نرخ ارز در این شرایط بهره برداری مناسبی کرد.

رحمانی در پاسخ به پرسش دکتر محمدرضا رضوی، رییس موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی که اقتصاددانان چه کمکی می توانند به سیاست گذاری ارزی کنند؟ و آیا نرخ ارز در شرایط فعلی باید افزایش یابد یا خیر؟ آیا ارز باید تک نرخی شود یا خیر؟ افزود: در واقع باید به این پرسش نیز پاسخ داد که سیاست گذاری ارزی و صنعتی تحت چه مجموعه شرایطی بایستی صورت گیرد که در عین حال به رفع تدریجی مشکلات ساختاری نیز کمک کند. در واقع اقتصاددانان و کارشناسان باید در عمل به رفع مشکلات واقعی کمک کنند. نمی توان منتظر رفع مشکلات ساختاری ماند و تا آن زمان کاری انجام نداد.

در ادامه این نشست از مباحث مطرح شده در زمینه سیاست ارزی بر این موارد تاکید شد که اولاً در اقتصاد ایران سیاست صنعتی به معنای دقیق آن وجود نداشته است، ثانیاً وجود برخی کاستی ها در کنار نقائص و ناکارآمدی های اقتصادی منجمله فضای کسب و کار نامناسب مانع از ارتقاء تولیدات صنعتی و دستیابی کشور به توسعه صنعتی شده است.

همچنین در این جلسه بر این موضوع تاکید شد که در دوره های بلندمدت عدم تعدیل نرخ ارز متناسب با نرخ تورم موجب بروز شوک های ارزی جدید می شود. لذا بهتر است به صورت تدریجی در هر دوره نرخ ارز با نرخ تورم تعدیل شود.